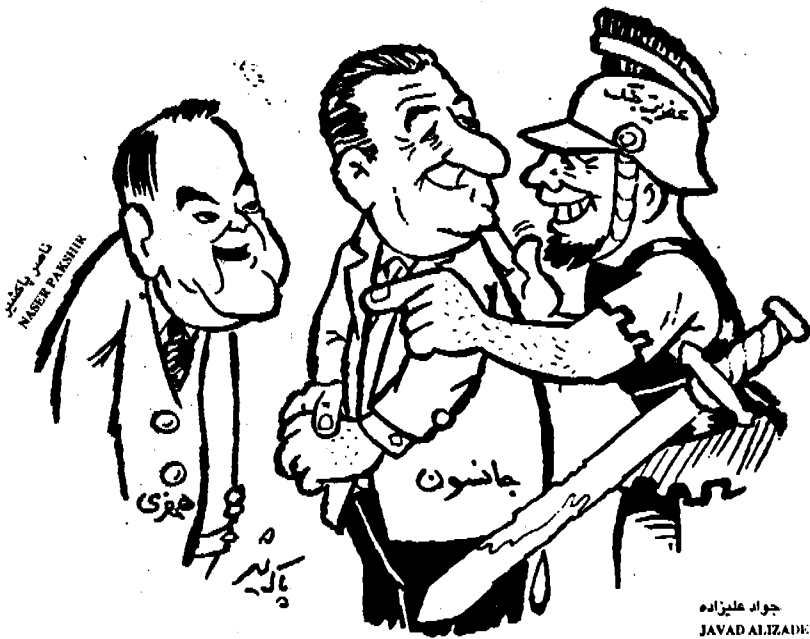




پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جواد علیزاده
JAVAD ALIZADEH

اصولی آن‌ها بود. حسن محمدزاده، و عظیم عظیم‌زاده به عنوان پیشگامان هنر کاریکاتور ایران کم و بیش از دهنرمنند یادشده تاثیر گرفتند. اما ادامه کار آن‌ها بیشتر روی نمادها استوار بود و کاریکاتور چهره به دلایل پیش گفته در این دوره رشد جدانی نداشت.

با حوادث شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضاخان، عصر تازه‌ای برای رشد و توسعه مطبوعات ایران پدید آمد. در واقع بنیان مطبوعات و بسیاری از فعالیت‌های مطبوعاتی از همین زمان شکل گرفت. شماری از نشریات معروف و نام‌آشنای طنز همچون «ناهمید»، «چلنگر»، «توفیق»، «باباشمل»، «امید»، «ایران ما»، «به سوی آینده»، در بستر تحولات اجتماعی پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ متولد شدند.

کاریکاتوریست‌های سرشناس این برهه از مطبوعات طنز ایران بیوک احمدی، روح الله داوری، حسین بنایی، جعفر تجارنجی، عباس توفیق، حسین توفیق و محسن دولو بودند.

در میان آثار احمدی در نشریه «چلنگر»، کاریکاتورهای چهره قوام السلطنه، دکتر مصدق و شاه (پهلوی دوم) دیده می‌شود. احمدی با انتخاب روشی که قلم‌گیری‌های نقاشی در آنها آشکار بود، سعی می‌کرد همچون کاریکاتوریست‌های اروپایی



می‌کردند کم و بیش به این نیاز پاسخ بدهند. همین گرایش، کاریکاتور چهره را در ایران رواج داد. این توسعه بیش‌تر کمی بود تا کیفی، زیرا سانسور و بگیر و ببند حکومت‌های وقت هرگز اجازه نمی‌داد این هنر نوظخته به رشد و بالندگی کامل برسد.

اروپا، به دلیل رشد آگاهی‌های سیاسی و توسعه دمکراسی، کاریکاتور چهره در یک مسیر تکاملی به غنای بیشتری رسید. در همین زمان کاریکاتور چهره ناصرالدین‌شاه درحالی‌که سرگرم تاراج منابع ملی در قالب استقراض از خارج بود، در مطبوعات فرانسه به چاپ رسید. این درحالی بود که نخستین روزنامه‌ها در ایران به شکل ابتدایی و بدون عنصر طنز و طنز تصویری امکان انتشار یافته بودند.

پس از دوره درخشان انتشار آثار روتر و شیلینگ در روزنامه «ملانصرالدین» که کاریکاتورهای مطبوعاتی را به معنای واقعی به نمایش می‌گذاشت و کاریکاتور چهره از عناصر

در قرن بیستم پس از پیدایش و تکامل دوربین عکاسی، هنر نقاشی، عصر پرتره‌سازی‌های سنتی به شیوه رامبراند را پشت سر گذاشت و سبک‌های انتزاعی و آبستره‌اکسیون رواج یافت. رویکرد نقاشان این دوره به عراق و اکسپرسیون آرام‌آرام، پرتره‌سازی و نقاشی چهره را به سمت کاریکاتور سوق داد. گسترش نسبی فعالیت‌های ارتباطی که با پیشرفت دستگاه‌های دریافت و ارسال خبر شتاب بیشتری یافته بود، زمینه‌ساز روی آوری به روش‌های تازه نقاشی چهره با ویژگی‌های عراق و کمیک بود.

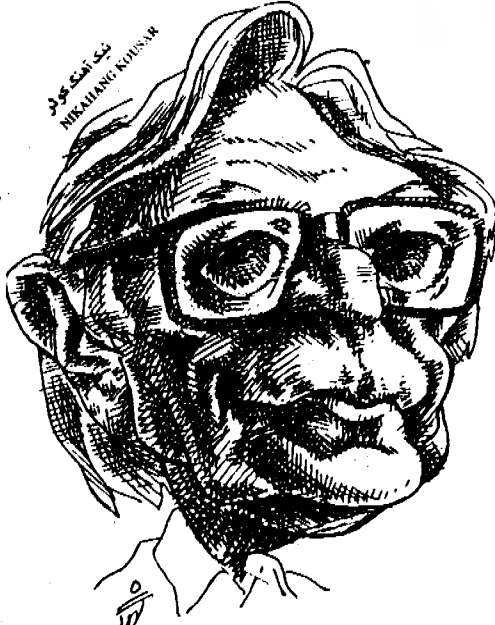
فضاهای تازه ایجاد شده برای فعالیت مطبوعات و روشنگری در اروپا، الزاماً طنز مطبوعاتی و همپای آن نقاشی هجایی را برای نقد طنزگونه سیاستمداران گسترش داد. کار نخستین استادان نقاشی‌های طنزآمیز چهره برداختن به ویژگی‌های چهره شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و کندوکاو در زوایای پنهان آناتولیک و در نهایت تحریف و تخریب عمدی آن‌ها به قصد کشف و ارائه نکات خنده‌آور بود. هرچند که در آغاز این دوره به دلیل تاثیر سازندگان رسوبات و رفتارهای خشن و بیرحمانه عصر اسکولاستیک، نخستین نقاشان طنزاندیش تمایل داشتند چهره سیاستمداران را بیشتر به شکل هیولاها و موجودات وحشتناک نشان دهند. نمونه‌هایی از این آثار را در میان نقاشی‌های استاد لئوناردو داوینچی و پیروانش می‌توان یافت.

با توسعه مطبوعات و فعالیت‌های خبری، بهره‌گیری از طراحی کمیک یا کاریکاتور و بخصوص کاریکاتور چهره نیز رواج پیدا کرد و نخستین کاریکاتوریست‌های چهره به همراه اولین رسانه‌های قرن بیستم که بیشتر شامل روزنامه‌ها و مجلات بودند، به فعالیت‌های مطبوعاتی پیوستند.

تاریخچه ورود کاریکاتور به ایران با پیدایش نخستین کاریکاتورهای چهره آغازی مشترک دارد. انتشار روزنامه «ملانصرالدین» در قفقاز و ورود کاریکاتور توسط آن به ایران، هم زمان با عصر درخشان پیوند مطبوعات با کاریکاتور، به ویژه کاریکاتور چهره در اروپا بود. در این دوران، کاریکاتور بدون چهره‌های معروف و خنده‌آور مفهومی نداشت و کاریکاتوریست‌ها چنان پرورش می‌یافتند که بتوانند کاریکاتور چهره را نیز طراحی کنند. این الزام موجب شد تا چهره‌سازی به شیوه کمیک به عنوان یکی از عناصر ارزشمند طنز تصویری درآید.

روتر و شیلینگ، کاریکاتوریست‌های برجسته و هنرمند «ملانصرالدین» نیز از جمله پرورش‌یافتگان این عصر بودند. در آثار این دو هنرمند، چهره‌های آشنای رجال عصر قاجار، بخصوص محمدعلیشاه فراوان دیده می‌شود. چهره شاه مستبد قاجار توان شگفت‌انگیز هنرمند را در طراحی شخصیت، شناخت آناتومی، روانشناسی و بهره‌گیری بجا از عنصر طنز یکجا به نمایش می‌گذارد. شاید همین جسارت کاریکاتوریست‌های «ملانصرالدین» زمینه‌ساز روی آوری کاریکاتوریست‌های نوپای روزنامه‌هایی همچون «آذربایجان»، «حشرات الارض»، «زن‌بوسور»، «ناهمید» و غیره به چاپ کاریکاتور چهره شد.

از آنجا که نیش انتقاد مردم و طنزپردازی‌های عامه متوجه حکام مستبد و فرمانبرداران تحت امر آن‌ها بود، نخستین مطبوعات طنز ایران تلاش





و نشریات چاپ قفقاز، اغراق‌هایی را که به طور عمد روی اجزای صورت تاکید داشت، به کار گیرد.

حسین بنایی در کاریکاتور چهره جانب احتیاط را مراعات می‌کرد. آثار او پیش از آن که نشانه‌هایی از اغراق داشته باشند، بیش‌تر به تصویر اصلی شخصیت‌ها شبیه بودند. ولی مهارت این هنرمند در ایجاد هماهنگی میان اندام و فیکورهای اشخاص با چهره آن‌ها بود.

محسن دولو که بعدها به عنوان پیشکسوت کاریکاتور چهره به مفهوم مطلق در ایران شهرت یافت، توانست با ارائه کاریکاتور چهره خروشچف (نخست وزیر اتحاد شوروی سابق) در سال ۱۹۶۳ میلادی عنوان سوم نمایشگاه بین‌المللی کاریکاتور مونترال کانادا را به دست آورد، او مبتکر نخستین کاریکاتورهای مطبوعاتی چهره در ایران بود و آثارش در روزنامه «ایران ما» مخاطبان زیادی را به خود جلب می‌کرد. دولو بعدها تحت تأثیر کاریکاتورهای اروپا، در کاریکاتور چهره به حجم بردازی و شیوه‌های کوبیک روی آورد و توانست با رنگ‌گذاری‌های جالب و جذاب، این روش را در کاریکاتورهای روی جلد مجله «کاریکاتور» که از سال ۱۳۴۶ به مدت یک دهه نخست مدیریت خود او انتشار می‌یافت، به غنای درخور توجهی رساند.

در میان خاندان توفیق و در دوره جدید نشریه «توفیق»، کارها و آثار حسن توفیق را باید یکی از موفق‌ترین تکنیک‌های کاریکاتور چهره به حساب آورد. این هنرمند معروف در نهایت سادگی و ایجاد و با خطوط منقطع، چهره بسیاری از سیاستمداران، هنرمندان و ورزشکاران ایران و جهان را در قالب کاریکاتور عرضه کرده است.

غلامعلی لطیفی و هنرمندان مکتب «توفیق» از جمله کامبیز درمبخش و ایرج زارع هم در آثارشان هر چسبایی که ایجاد کرده است، روی چهره شخصیت‌ها کار کرده‌اند.



غلامعلی لطیفی
GHOLAMALITAFI

۳۲۱
۱۳۶۱



احمد عربانی
ABHAD ARABANI

سخاورز همراه با سبک و سیاق و ابتکارات او هویت مستقلی یافت. سخاورز ماهرانه از انعطاف قلم در سایه کاری هایی که محتاج هاشورهای ریز و بسیار ظریف بود، استفاده کرد. مجموعه ای از کاریکاتور چهره شخصیت های هنری و ادبی ایران از آثار سخاورز ماندگار شده است.

اردشیر محمص، هنرمند کاریکاتوریست معاصر، چهره هایی را با اغراق های ظریف و سرشار از هاشورهای منعطف به وجود آورد. این دسته از آثار او که با تاثیرپذیری از نخستین عکس های یادکاری با دوربین های بزرگ طراحی شده است، جلوه ای بسیار هنرمندانه دارند و چهره های مردم تهران و رجال پایتخت را در برهه ای از تاریخ به نمایش می گذارند.

از میان کاریکاتوریست های «توفیق» و مجله «کاریکاتور»، احمد عربانی استعداد خوبی را در کاریکاتور چهره به نمایش گذاشت و جواد علیزاده، هنرمند کاریکاتوریست معاصر و مدیر و ناشر

در سال های پایانی دهه ۵۰، علاقمندان به کاریکاتورهای مطبوعاتی با آثار داریوش رادپور که ویژگی های جذابی داشت، آشنا شدند. رادپور با خطوطی پخته به میدان آمد و از همان آغاز، سبک کارش شناخته شد.

این هنرمند بیش ترین تاثیر را از کاریکاتوریست نامدار آمریکایی، دیوید لیواین، گرفته بود. ولی به مرور در آثارش به ویژه کاریکاتورهای چهره به روش پایداری که تلفیقی از گذشته و نوآوری بود، دست یافت. از ویژگی های کاریکاتور چهره در آثار رادپور، استفاده به جا و حساب شده از هاشور است.

ولی در میان این گروه از هنرمندان، احمد سخاورز رویکرد موفقیت آمیزی به کاریکاتور چهره داشت. او تحت تاثیر دیوید لیواین، کاریکاتوریست و چهره پرداز سرشناس آمریکایی، در طراحی چهره از هاشور به عنوان ابزاری برای سایه کاری و حالت دادن بهره گرفت. این روش به مرور در آثار



روح الله داری
ROHALLAH DAVARI

نشریه «طنز و کاریکاتور»، کاریکاتور چهره را به عنوان یک شاخه تخصصی در ایران پی گرفت. بخشی از این موفقیت‌ها، مدیون استعداد ذاتی او در کاریکاتور چهره و آموزه‌هایی است که در مکتب محسن دولو داشته است. از بهمن عبیدی، کاریکاتوریست معاصر، نیز در زمینه کاریکاتور چهره مجموعه‌ای انتشار یافته است.

از میسان جوان‌ترها و به قولی نسل سوم، کاریکاتوریست‌های صاحب استعدادی در عرصه کاریکاتور چهره به میدان آمده‌اند. افشین سبویکی و بزرگمهر حسین پور و نیک‌آهنگ کوثر و حسین صافی از هنرمندان شاخص این رشته در میان نسل کنونی محسوب می‌شوند.

سبویکی روش ویژه‌ای در بهره‌گیری از آناتومی چهره به صورت تجسم فضایی دارد و اغراق را با ظرافت در تکنیکی که برگرفته از این حس است، می‌گنجاند. او نشان داده است که با استفاده به جا از رنگ و سایه، می‌تواند مجموعه عناصر تکنیکی را در خدمت حسی که در اثرش ارائه می‌دهد، قرار دهد.

خطوط روان و پخته بزرگمهر حسین پور و قدرت مانتور جسورانه او در نمایش حرکات و فضاها در کاریکاتور چهره به آزمایش و ممانعت زیبایی می‌رسند. بزرگمهر شبیه‌سازی و تکرار را که از ضرورت‌های کاریکاتورهای داستانی و دنباله‌دار (کمیک استریپ) است، آزموده و از این امتحان نیز سر بلند بیرون آمده است.

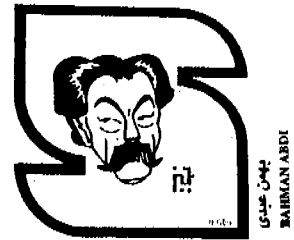
هفته‌نامه «گل‌آقا» که متأسفانه پانیز امسال علی‌رغم میل و نیاز مخاطبان‌اش از نشر باز ایستاد،



شیلینگ
SHILING

ساکاوارز
SAKHAVARZ

ساکاوارز
SAKHAVARZ



بنابره روش نشریات پیشین، همچون «توفیق» و دیگران، در اجزاء طنز تصویری به کاریکاتور چهره نیز روی آورد. احمد عربانی و مسعود پاک شیر، با آموزه هایی که از مکتب «توفیق» داشتند، این کار را در «گل آقا» نیز ادامه دادند. اما از میان نوخاستگان «گل آقا» علی رادمند در کاریکاتور چهره به موقعیت های تازه ای دست پیدا کرد و به عنوان کاریکاتوریست چهره شهرت یافت. حضور دوباره بزرگمهر حسین پور در نشریات «گل آقا» دور تازه ای از رغبت و نوآوری را در کاریکاتور چهره در این نشریات دامن زد. امیر داودی نیز تاکنون استعداد قابل توجهی را در کاریکاتور چهره ارائه داده است.

در مجله «طنز و کاریکاتور»، جواد علیزاده عرصه را برای برآمدن استعداد های تازه در کاریکاتور چهره گشود. علی درخشی آثارش را در همین بستر آزمود و می توان گفت چه در زمینه کاریکاتور به طور اعم و چه در کاریکاتور چهره تاثیر پذیری او از آثار علیزاده کاملا مشهود است. گو این که ابتکارات فردی و ویژگی هایی که معمولا از انرژی جوانی سرچشمه می گیرد، به مرور، در آثار «درخشی» نمایان شده است.

بهار موحد بشیری که سیاه مشق هایش را با همین نشریه آغاز کرده بود، توانست با تلفیق یک روش قدیمی که در پرتره سازی توسط نقاشان پیشکسوت، از جمله مرحوم اکبر معاونی در مجله «سپید و سیاه» به کار رفته و نوآوری هایی که سدیون تجارب خود او است، به عنوان یک کاریکاتوریست چهره شهرت یابد.

در میان هنرمندان جوان کاریکاتوریست چهره، حسین صافی استعداد و قابلیت های خوبی را ارائه کرده و تاکنون آثار پخته ای از او در نشریات گوناگون به چاپ رسیده است.

در اینجا باید از کوشش های حسن کریم زاده، هنرمند کاریکاتوریست معاصر که خود نیز دستی در کاریکاتور چهره دارد، به خاطر تهیه و انتشار مجموعه ای در زمینه کاریکاتور چهره به نام «کتاب چهره» یاد کرد. در این کتاب، استعداد های جوانی همچون مهرداد جمشیدی و مهرداد صدقی معرفی شده اند و کاریکاتور هایی از چهره های بزرگان عرصه ادب جهان با خطوط و قلم سیال گل محمد خداوردی زاده چاپ شده است.

نیک آهنگ کوشر که در زمینه کاریکاتور مطبوعاتی در زمره برکارترین هنرمندان معاصر است، در زمینه معرفی کاریکاتور چهره در قالب مقالات پراکنده نیز کوشش هایی داشته است. همچنین در بسیاری از کارهای مطبوعاتی او، کاریکاتور چهره به مثابه بخشی از اثر حضور دارد.



منابع:

- ۱- ۷۰ سال کاریکاتور ایران، حمید ساهر
- ۲- مقالات آقای غلامعلی لطیفی، هنرمند برجسته کاریکاتور که به صورت پراکنده در نشریات چاپ شده است.
- ۳- مجموعه دو جلدی از هبنا تا نیما، اثر یحیی آرین پور



علیرضا کاویان راه
ADIREZA KAVIANRAH



ای. ای. گیلارد
A. A. GAILLARD



افشین سبزوکی
AFSHIN SABOKI